



کاهش ارزش تسهیلات اعطایی بانکها

طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹

شاهین کرزبر ✍

مقدمه

یکی از مهمترین اقلام صورتهای مالی بانکها، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول بوده و به‌طور معمول، در گزارش حسابرسی بانکها بند شرط است. شناسایی صحیح و ارائه و افشای منصفانه هزینه یادشده-که در ادبیات استانداردهای بین‌المللی از این موضوع با عنوان **کاهش ارزش**^۱ یاد می‌شود-منجر به شفافیت صورتهای مالی بانکها می‌شود؛ اما، با توجه به آثار منفی آن بر تقسیم سود و نسبت کفایت سرمایه، بانکها این هزینه را به میزان کافی شناسایی نمی‌کنند. همچنین، یادداشت هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول در صورتهای مالی بانکها به‌شکل مناسبی ارائه نمی‌شود.

کاهش ارزش تسهیلات اعطایی نشان‌دهنده پایین آمدن کیفیت جریانهای نقدی آینده تسهیلات اعطایی و حاوی این پیام برای استفاده‌کنندگان است که انتظار بانک درباره جریانهای نقدی ورودی آینده تسهیلات اعطایی، کاهش یافته است. شناسایی نکردن کاهش ارزش به میزان کافی، منجر به انعکاس داراییهای موهوم در ترازنامه و توزیع سود موهوم در مجامع بانکها شده است. به اعتقاد نگارنده، شناسایی صحیح کاهش ارزش تسهیلات اعطایی، یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های به‌کارگیری **استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)** برای بانکهای ایرانی خواهد بود؛ از اینرو، نیاز است تا آثار به‌کارگیری الگوهای کاهش ارزش طبق استانداردهای بین‌المللی به‌شکلی جامع مورد بحث و بررسی قرار گرفته و راهکارهای مناسبی به‌منظور حل و فصل چالشهای آن ارائه شود.

• زمان دریافت وجوه و میزان مبالغی که انتظار وصول یا بازیافت آن را داریم؛

• مبلغی که در صورت ورشکستگی مشتری نصیب بانک می‌شود؛

• ارزش قابل تحقق وثیقه‌ها (با توجه به ارزش بازار^۳ در زمان ارزیابی وامها با هدف کاهش ارزش)؛

• تخمین احتمال موفقیت بانک در فرایند تملیک و تصرف وثیقه وام؛

• هزینه‌های تملیک و فروش وثیقه؛ و

• قیمت بازار ثانویه وام (در صورتی که چنین بازاری در دسترس باشد).

بر اساس استانداردهای بین‌المللی، تسهیلات اعطایی بانکها به بهای تمام‌شده مستهلک‌شده شناسایی می‌شود و کاهش ارزش آنها با مابه‌تفاوت مبلغ دفتری و ارزش فعلی جریانهای نقدی آینده تنزیل‌شده‌ای که انتظار وصول آن وجود دارد، برابر است. لازم به ذکر است، مطابق با متن استاندارد بین‌المللی، نرخ تنزیل جریانهای نقدی تسهیلات دارای کاهش ارزش، با نرخ بهره مؤثر اولیه یکسان است.

ارزیابی تسهیل اعطایی

از آنجا که به لحاظ اجرایی، ارزیابی تک‌تک وامهای یک بانک از منظر کاهش ارزش امکان‌پذیر و مقرون‌به‌صرفه نیست، از اینرو ارزیابی وامها به یکی از دو روش **جداگانه^۴** و **گروهی^۵** انجام می‌شود.

ارزیابی جداگانه

این روش ارزیابی، مختص تسهیلات بااهمیتی است که با توجه به اهمیت جریانهای نقدی مرتبط با آنها باید به صورت **مورد به مورد^۶** و جداگانه ارزیابی شود. در تعیین وامهای بااهمیت باید به مبلغ وام، تعداد وامهای موجود، نحوه مدیریت و نظارت بر وامها^۷، توجه کرد.

با توجه به ارزیابی تک‌تک وامها در این رویکرد، در صورت وجود شواهد عینی کاهش ارزش برای هر وام، باید برای آن وام کاهش ارزش شناسایی شود. ارزیابی این دسته از وامها بر اساس قضاوت مدیریت در مورد جریانهای نقدی انجام می‌شود که انتظار می‌رود واحد تجاری اعطاکنده وام دریافت کند. همچنین، مدیریت در برآورد جریانهای نقدی آینده این وامها باید وضعیت

تشریح الگوی کاهش ارزش تسهیلات اعطایی

کاهش ارزش در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ (IAS 39)، براساس الگوی زیان تحقق‌یافته^۲ است. براساس الگوی یادشده، تنها زمانی می‌توانیم برای یک دارایی مالی کاهش ارزش شناسایی کنیم که شواهد عینی از وجود رویداد زیان‌آور پس از شناسایی اولیه دارایی مالی در دست بوده و این رویداد بر جریانهای نقدی آینده حاصل از دارایی مالی مورد نظر، مؤثر باشد و بتوان آثار آن را به شکل درخور اتکایی اندازه‌گیری کرد. برای اجرای الزامهای استاندارد یادشده، نیاز است بانکها تسهیلات اعطایی خود را مورد ارزیابی قرار داده و این ارزیابی باید در پایان هر سال برای هر وام یا گروهی از وامها تکرار شود تا مشخص گردد آیا شواهد عینی برای کاهش ارزش وامها وجود دارد یا خیر؟

برخی از شواهد عینی کاهش ارزش به این شرح است:

- مشتری بانک دچار مشکلات مالی جدی و نقدینگی شده باشد؛
- محتمل بودن ورشکستگی یا تجدید ساختار مشتری؛
- تسهیلات اعطایی نکول شده و مفاد قرارداد وام (مانند پرداختن اصل و سود تضمین‌شده در زمانهای مقرر و سررسید)، نقض شود؛

- در جریانهای نقدی مرتبط با تسهیلات یا وثایق آنها، کاهش درخور توجه - که قابل اندازه‌گیری باشد - به وجود آید؛

- بانک به دلیل شرایط اقتصادی و دلایل قانونی که با مشکلات مالی وام‌گیرنده مرتبط است، به وی امتیازی اعطا کند که در شرایط دیگر وجود ندارد (این امتیاز به‌طور معمول به شکل بخشودگی، تعویق زمان پرداخت اصل و فرع وام و ... اعطا می‌شود)؛

- اطلاعات قابل مشاهده نشان دهد که در جریانهای نقدی آینده گروهی از تسهیلات نسبت به شناخت اولیه آنها کاهش وجود دارد و این کاهش هنوز با ارزیابی جداگانه وامها، شناسایی نشده است؛ و

- به وجود آمدن شرایطی که نشان‌دهنده وضعیت نامناسب صنعت و الگوی کسب‌وکار مشتری بوده و منجر به ایجاد شک و شبهه در بازپرداخت وامها شود.

در صورتی که نیاز باشد برای یک وام کاهش ارزش شناسایی شود، باید در شناسایی آن، این عوامل در نظر گرفته شود:

به اعتقاد نگارنده

شناسایی صحیح

کاهش ارزش

تسهیلات اعطایی

یکی از

چالش برانگیزترین

حوزه‌های به‌کارگیری

استانداردهای

بین‌المللی

گزارشگری مالی

برای

بانکهای ایرانی

خواهد بود

مالی مشتری و خالص ارزش بازیافتنی وثیقه‌ها را در نظر بگیرد. با توجه به بااهمیت بودن این تسهیلات، جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در مورد این تسهیلات و نظارت و بررسی جداگانه این تسهیلات، عقلانی و مقرون به‌صرفه خواهد بود. از طرفی، پیاده‌سازی این فرایند به‌لحاظ اجرایی برای بسیاری از وامهای کم‌اهمیت‌تر امکان‌پذیر و مقرون به‌صرفه نیست. بنابراین، این دسته از وامها به‌صورت گروهی ارزیابی می‌شوند.

ارزیابی گروهی

در این روش، ارزیابی وامها به‌صورت گروهی انجام می‌شود. در این دسته، دو نوع وام مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

الف- وامهایی که به‌دلیل بی‌اهمیت بودن به‌صورت جداگانه ارزیابی نشده‌اند (گروه همگن^۸)؛ و

ب- وامهایی که به‌صورت جداگانه و تک‌تک ارزیابی شده‌اند، اما با توجه به این‌که شواهد عینی از زیانهای تحقق‌یافته به‌دست نیامده، برای آنها کاهش ارزشی شناسایی نشده است (در اصل زیان تحقق‌یافته، اما شناسایی نشده است^۹).

لازم به ذکر است، وامهایی که به‌صورت جداگانه ارزیابی و برای آنها کاهش ارزش شناسایی شده است، نمی‌توانند دوباره وارد فرایند ارزیابی ذخیره‌گیری گروهی شوند.

از آنجا که حجم و تنوع وامهایی که در دسته ارزیابی گروهی قرار می‌گیرند زیاد است، بنابراین قاعده ارزیابی و اندازه‌گیری ذخیره کاهش ارزش به‌صورت یکجا برای این وامها با توجه به ویژگیهای اعتباری و ریسکهای متفاوت، صحیح نیست. از اینرو، نیاز است ابتدا این وامها براساس ویژگیهای مشترک طبقه‌بندی و از یکدیگر تفکیک شوند.

دسته‌بندی وامها به گروه‌های مختلف باید

براساس سطح ریسک اعتباری باشد و سعی شود وامهایی با ریسکهای اعتباری تقریباً مشابه، در گروه‌های یکسان قرار گیرند. برای شناسایی کاهش ارزش وامهای گروهی مشابه و همگن، باید از روشهای آماری مانند روش نرخ گردش^{۱۰} استفاده کرد. در روش نرخ گردش از تحلیل آماری اطلاعات تاریخی کوتاهی مشتری و نکول وام برای برآورد زیان استفاده می‌شود. پیش‌نیاز استفاده از این روش، وجود اطلاعات تجربی مناسب و در دسترس است.

این روش در مورد تسهیلات کارتهای اعتباری- که در زمان نگارش این مقاله بانک مرکزی ایران نیز دستورعمل مربوط به آن را اعلام کرده است- کاربرد فراوانی دارد. با توجه به این‌که برای وامهای خرد با نبود اطلاعات مناسب، کافی و درخور اتکا روبه‌رو هستیم، در عمل اعمال روش نرخ گردش امکان‌پذیر نبوده و می‌توان از روش دیگری که به روش نرخ زیان^{۱۱} معروف است، استفاده کرد. در این روش از الگوی تنزیل جریانهای نقدی یا روشهای ریاضی مبتنی بر نرخ زیانهای تحقق‌یافته تاریخی استفاده می‌شود. در این روش براساس تجربه‌های قبلی و نگاه به گذشته هرکدام از گروهها، زیانهای اعتباری تاریخی بانک تعیین خواهد شد. این نرخ تاریخی باید با داده‌های قابل مشاهده مرتبط با شرایط و وضعیت فعلی، تطبیق و تعدیل شود تا آثار رویدادهای تاریخی گذشته که در حال حاضر وجود ندارد، از آنها حذف شود.

آنچه که تا اینجا بیان شد، معرفی، تشریح و ارائه روش شناسایی الزامهای الگوی کاهش ارزش استاندارد بین‌المللی شماره ۳۹ بود. در بخشهای بعدی، چالشهای اجرایی و آثار مالی این استاندارد تشریح می‌شود.

می‌شود این بخش از سودها به اندوخته‌های اجباری غیر قابل تقسیم منتقل شده تا از توزیع سودهای حاصل از این محل، جلوگیری شود و پیامد اقتصادی منفی حاصل از به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی، کاهش یابد.

۳- به دلیل وجود برآوردهای فراوان، دامنه قضاوت در استاندارد بین‌المللی شماره ۳۹ بسیار بالا بوده و بسیاری از مفاهیم کیفی، نیاز به قضاوت مدیریت بانکها دارد. از طرفی، قضاوت‌هایی با تفاوت معنادار حول محور یک موضوع واحد همراه با سوگیری، امری بدیهی در کشور ماست. در ادامه، چند مثال را بررسی کنیم:

الف- یکی از مراحل مهم شناسایی کاهش ارزش، برآورد جریانهای نقدی آینده است. چطور می‌توان از جریانهای نقدی که انتظار وصول آن را داریم، یک برآورد قابل اتکا ارائه کرد؟

ب- به منظور ارزیابی جداگانه، نیاز است تا رقم وام، با اهمیت و درخور توجه باشد. این معیاری کیفی است و در استاندارد، معیار کمی^{۱۴} برای آن دیده نشده است^{۱۵}. هر چند که کمی‌سازی استانداردهای مشکلهای خاص خود مانند دور زدن آستانه‌ها از سوی مدیران را دارد، اما، مشکل قضاوت مدیریت و تفاوت دیدگاه آنان با حساب‌رسان را کاهش می‌دهد؛

پ- برآورد هزینه‌های مرتبط با نقد کردن وثیقه‌ها؛
ت- برآورد و اندازه‌گیری صحیح وثیقه‌ها و ارزش قابل تحقق آنها؛

ث- گروه‌بندی مناسب وامها (در ارزیابی گروهی)؛ و
ح- تعدیل نرخهای زیان تاریخی با اطلاعات جاری (در ارزیابی گروهی).

تعیین و برآورد مناسب هر کدام از موارد قیدشده، موضوعی چالش‌برانگیز است که دست مدیریت را برای بازی با سود باز می‌گذارد. پیشنهاد می‌شود در برخی از این موارد، نهادهای ذیربط رهنمودهایی به‌منظور اعمال و به‌کارگیری آنها در صورتهای مالی ارائه کنند تا کیفیت و مقایسه‌پذیری صورتهای مالی در اثر برآوردهای غیرمنصفانه یا غیرقابل اتکا، کاهش نیابد.

۴- پیاده‌سازی الزامهای کاهش ارزش استاندارد شماره ۳۹ به‌شکل صحیح، نیازمند وجود سامانه‌های نرم‌افزاری جامع و

چالشهای اجرا و پیشنهادهایی در راستای تسهیل

پیاده‌سازی

در پیاده‌سازی الزامهای استاندارد یادشده، چالشهای نظری و عملی فراوانی در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- طبق الگوی زیان تحقق‌یافته مد نظر استاندارد شماره ۳۹، تنها زمانی می‌توان برای یک دارایی کاهش ارزش شناسایی کرد که شواهد عینی از وجود رویداد زیان آور پس از شناسایی اولیه در دست باشد. از اینرو، شناسایی هرگونه زیانهای احتمالی و آینده مجاز نیست؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد شناسایی ذخیره عمومی مطالبات مشکوک‌الوصول به‌عنوان یک زیان احتمالی در تضاد با استاندارد بین‌المللی شماره ۳۹ است. از آنجا که ذخیره عمومی، بیشتر از آن که از جنس زیانهای تحقق‌یافته باشد، با ویژگیهای زیانهای احتمالی مطابقت دارد، می‌توان استدلال کرد این ذخایر نشان‌دهنده کاهش بااهمیت در ارزش داراییهای خاصی نبوده و در عمل کارکردی مشابه اندوخته‌های احتیاطی دارند؛ از اینرو، این اقدام می‌تواند دارای شرایط منظورشدن در زمره سرمایه تکمیلی باشند^{۱۶}. بنابراین، به اعتقاد نگارنده از آنجا که محاسبه و شناسایی ذخیره عمومی خلاف استاندارد بین‌المللی شماره ۳۹ است، نسبت کفایت سرمایه با فرض ثابت بودن دیگر عوامل، تحت تأثیر این موضوع قرار خواهد گرفت^{۱۷}.

۲- با توجه به تفاوت‌های رویکرد فعلی مقرراتی بانک مرکزی ایران و استاندارد بین‌المللی شماره ۳۹، به‌نظر می‌رسد به دلیل شناسایی نکردن ذخیره عمومی مطابق با الگوی زیان تحقق‌یافته، الزام برای وجود شواهد عینی به‌منظور شناسایی کاهش ارزش، افزایش دامنه قضاوت و سوءاستفاده احتمالی از افزایش این دامنه، مبلغ هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول (زیان کاهش ارزش) به‌شکل چشم‌گیری کاهش یابد. در نتیجه این کاهش، سود بانکها افزایش یافته و بانکها ممکن است مبلغ بیشتری را بین سهامداران توزیع کنند. مبلغ مازاد، ممکن است از مصادیق توزیع منافع موهوم باشد. تقسیم این‌گونه سودها می‌تواند منجر به تضعیف توان و بنیه مالی بانکها و افزایش ریسک سپرده‌گذاران شود. از اینرو، پیشنهاد

اجرائی کردن

الگوهای

کاهش ارزش بین‌المللی

در بانکهای ایرانی

یکی از

دشوارترین

مراحل حرکت

به سمت

استانداردهای

بین‌المللی

گزارشگری مالی

است

بستر قوی فناوری اطلاعات است. سامانه‌های فعلی بانکها حتی توانایی برآورده کردن رعایت کامل بخشنامه‌ها و دستورعمل فعلی بانک مرکزی برای شناسایی صحیح ذخایر را ندارند. براساس استانداردهای بین‌المللی، وامها باید با توجه به موارد گفته‌شده در شکل‌های مختلف و طبقه‌های مناسب، منعکس شوند. در سامانه‌ها باید به موضوع تنزیل جریانهای نقدی در راستای اندازه‌گیری کاهش ارزش، توجه ویژه‌ای شود. همچنین، نیاز است بر تغییر وضعیت وامها^{۱۶}، نظارت مناسبی صورت گیرد. نبود نظام‌های رتبه‌بندی داخلی مناسب، مدیریت ریسک و مدیریت وثیقه‌ها، از دیگر مشکلات این حوزه است.

از طرفی، نیاز است تا این سامانه‌ها به‌خوبی با یکدیگر پیوند داشته باشند و کنترلی داخلی قوی بر سامانه‌ها حاکم باشد تا در نهایت، کیفیت گزارشگری کاهش ارزش وامها، افزایش یابد. با توجه به مواردی که گفته شد، در این حوزه نیاز به تحولات اساسی حس می‌شود. هر چند، به‌نظر می‌رسد منافع شخصی حاصل از نبود شفافیت که در نبود نرم‌افزارهای مناسب حسابداری به‌وجود می‌آید، انگیزه مدیران را برای ارتقای سامانه‌های اطلاعاتی، کاهش داده است.

۵- شواهد عینی کاهش ارزش^{۱۷} به‌طور عمده کیفی بوده^{۱۸} و نیاز به نظارت قوی بر مشتریان و جمع‌آوری مناسب و کامل اطلاعات مرتبط با آنها و محیط اقتصادی پیرامونشان دارد. بدیهی است که انجام صحیح این فرایند، نیاز به کارشناسی دارد. به‌نظر می‌رسد که در حال حاضر، بانکهای کشور توانایی لازم برای این کار را ندارند. شرط لازم برای این کار، تشکیل گروه‌های حرفه‌ای در درون بانکها و فراهم‌سازی بستر مناسب نرم‌افزاری است که جوابگوی فرایند یادشده باشد. همچنین، وجود

نظامهای کنترل داخلی مناسب که از جمع‌آوری کامل و به‌موقع این اطلاعات اطمینان معقول ایجاد کند، در فرایند یادشده اهمیت ویژه‌ای دارد.

بدیهی است که با توجه به ساختار سنتی بانکها، تجهیز کردن آنها برای انجام ارزیابیها در این سطح، در کوتاه‌مدت موضوعی دور از دسترس است. از اینرو، پیشنهاد می‌شود با تدوین رهنمودهای مناسب، برخی از معیارهای کاهش ارزش کمی‌سازی شود.

بدیهی است که چنین رویه‌ای کمال مطلوب نخواهد بود؛ اما برای اجرایی کردن استانداردهای بین‌المللی، اجتناب‌ناپذیر است. لازم به ذکر است که می‌توان این کمی‌سازیها را در دامنه‌ای مجاز و طبق استانداردهای بین‌المللی انجام داد و به‌نوعی آنها را طراحی کرد تا با مفاد استاندارد بین‌المللی در تضاد نباشند.

برای مثال، یکی از شواهد عینی کاهش ارزش، نقض مفاد قرارداد وام (مانند کوتاهی در پرداخت اقساط از سوی مشتری) است. در همین راستا، بانکهای بزرگی همچون **اچ‌اس‌بی‌سی (HSBC)**، گذشتن از مرز ۹۰ روز دیرکرد در پرداخت را به‌عنوان یکی از شواهد کاهش ارزش در نظر گرفته‌اند. لازم به ذکر است، رویکرد کمی‌شده فعلی مورد استفاده در بانک مرکزی با استانداردها و رویه‌های روز مورد استفاده در بانکهای بین‌المللی، همخوانی نداشته و به تعدیلهای اساسی نیاز دارد. بدیهی است که در فرایند الگوبرداری، استفاده بدون تغییر از معیارهای بانکهای خارجی بدون در نظر گرفتن ویژگیهای محیط اقتصادی، خالی از اشکال نخواهد بود.

۶- اگر یک وام در طبقه تسهیلات دارای کاهش ارزش طبقه‌بندی شود، با توجه به مسکوت بودن استاندارد بین‌المللی شماره ۳۹،

آنهاست. همانطور که بیان شد، پیاده‌سازی این الگو دارای آثار فراوانی خواهد بود. با توجه به موارد پیش گفته، اجرایی کردن الگوهای کاهش ارزش بین‌المللی در بانکهای ایرانی، یکی از دشوارترین مراحل حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است و پیاده‌سازی صحیح این الگوها، تابع عوامل فراوانی بوده و نیاز به عزمی جدی در نظام بانکی کشور دارد.



پانوشته‌ها:

- 1- Impairment
- 2- Incurred Loss Model
- 3- Market Value
- 4- Individually
- 5- Collectivity
- 6- Case by Case
- ۷- ممکن است مبلغ وام به میزانی عمده باشد که نظارت و پیگیری وام یادشده به صورت جداگانه صورت پذیرد
- 8- Homogeneous Groups of Loans
- 9- Incurred but not yet Identified Impairment
- 10- Roll Rate
- روش نرخ گردش به درصدی از دارندگان کارتهای اعتباری اطلاق می‌شود که همواره به شکل فزاینده‌ای در حسابهایشان قصور می‌کنند.
- 11- Loss Rate
- ۱۲- زمانی که ذخایر یا اندوخته‌ها برای پوشش زیانهای خاص و مشخصی باشد، یا در ارتباط با کاهش مشخص ارزش یک دارایی یا گروهی از دارایی‌ها باشند، ممکن نیست به‌سادگی برای جذب زیانهای محقق نشده در دسترس بوده و بنابراین واجد ویژگیهای سرمایه‌ای تلقی نمی‌شوند و از اینرو، این قبیل ذخایر نمی‌توانند در سرمایه پایه لحاظ شوند.
- ۱۳- هرچند که در عمل ممکن است بخشی از آن به‌واسطه کم‌نمایی ذاتی الگوی زیان تحقق‌یافته، جبران و اثر آن تقلیل یابد.
- ۱۴- این موضوع در استانداردهای ملی نیز مصداق دارد.
- ۱۵- در دستور عمل بانک مرکزی، برای وامهای بااهمیت آستانه تعریف شده است (رجوع شود به ماده ۱ بند ۴ بخشنامه شماره: م/ب/۲۸۲)
- ۱۶- همانطور که گفته شد، برخی وامهای بااهمیتی که در ارزیابی جداگانه برای آنها به‌دلیل در دسترس نبودن شواهد عینی، کاهش ارزش شناسایی نشده است، دوباره گروه‌بندی شده و مورد ارزیابی گروهی قرار خواهند گرفت. حال ممکن است در مورد هر کدام از این وامها، اطلاعات و شواهد مناسبی به‌دست آید که زمینه و بستر شناسایی کاهش ارزش در سطح جداگانه را فراهم کند؛ بنابراین، نیاز است تا وام یادشده از فرایند ارزیابی گروهی خارج شود. اطمینان از صحت انجام این عمل نیاز به نظارت مناسب و کنترل‌های مناسب دارد.
- ۱۷- به‌ویژه در حوزه وامهای بااهمیت که جداگانه ارزیابی می‌شوند.
- ۱۸- به بخشهای قبلی رجوع شود.

شناسایی درآمد وام مربوط کماکان ادامه پیدا می‌کند. از آنجا که درآمد تسهیلات از درآمدهای مشاع است، این رویه منجر به افشای درآمدهای مشاع موهوم در صورتهای مالی بانکها خواهد شد. بنابراین، این روند به کاهش مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری منجر خواهد شد؛ در حالی که در محتوا، درآمدهای مشاع یادشده موهوم بوده و مابه‌التفاوت این دو عنصر در عمل بیشتر از آن مبلغی است که در صورتهای مالی بانکها افشا می‌شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود نهاد ناظر با کاهش نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری، از خروج سود سپرده‌های موهوم جلوگیری کند.

۷- همانطور که در بخشهای قبلی عنوان شد، تفاوت فاحشی بین مقررات بانک مرکزی برای اندازه‌گیری کاهش ارزش و استانداردهای بین‌المللی وجود دارد. گزارش کردن دو مبلغ به‌طور کامل متفاوت برای یک قلم یکسان در صورت مالی نمونه بانک مرکزی و صورتهای مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی، ممکن است منجر به ابهامهای فراوانی برای استفاده‌کنندگان شود. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود مقررات فعلی بانک مرکزی مورد بازنگری قرار گرفته تا فاصله موجود کاهش یابد.

۸- کاهش رتبه اعتباری وام‌گیرنده به‌تنهایی منجر به شناسایی کاهش ارزش نمی‌شود؛ اما کاهش و تنزل رتبه اعتباری در یافت‌کننده تسهیلات در کنار دیگر نشانه‌ها، می‌تواند شواهد عینی کافی را برای شناسایی کاهش ارزش فراهم کند. یکی از کاستیهای موجود در زمینه پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی، نبود نظامهای رتبه‌بندی مناسب در داخل بانکها و مؤسسه‌های رتبه‌بندی است. وجود این دو ابزار، اطلاعات مناسبی را در راستای رعایت الزامهای مناسب کاهش ارزش فراهم می‌کند. از اینرو، نیاز است تا بانکها نظامهای رتبه‌بندی مناسبی را تهیه کرده و به‌خوبی ارتباط آنها را با سامانه‌های حسابداری، برقرار کنند.

سخن آخر

آنچه از نظر گذراندیم، برخی از راهکارهای پیاده‌سازی الگوی زیان تحقق‌یافته، چالشها و پیشنهادهایی در راستای رفع

